

دوره غزنوی را از آن بری دانست و اگر به ندرت یافت شود نمی تواند به منزله خصیصه سبکی شعر دوره غزنوی محسوب شود. به کارگیری اوزان شاد و رقصان بالاخص در دیوان منوچهری دامغانی و اوزان روان و لطیف مخصوصاً در دیوان فرّخی سیستانی بر زیبایی سبک خراسانی دوره غزنوی افزوده است.

مثنوی‌های این سبک بیشتر در بحر متقارب (فعولن فعولن فعولن فعول) سروده شده است چنانکه در شاهنامه فردوسی، گشتاسب نامه دقیقی طوسی و آفرین نامه ابوشکور بلخی می‌یابیم (۱۲).

۲- از دیدگاه قافیه و ردیف (۱۳): در سبک خراسانی بطور کلی ردیف سازی کمتر مورد عنایت و توجه واقع شده است و آنقدر هم که هست ردیف‌ها «یک کلمه‌ای» و از نوع ردیف «فعلی» است مانند کلمات «نشود»، «بود»، «است»، «بُود». نقش قوافی در این سبک مؤثر و قابل اعتناست. (۱۴) منوچهری در میان شاعران دوره غزنوی با توجه به اینکه به موسیقی شعر توجه بیشتری دارد به ردیف نیز بیشتر متوجه بوده است. ذیلاً به چند نمونه از ردیف‌های دیوان او اشارت می‌رود:

دلم ای دوست تو دانی که هوای تو کند

لب من خدمت خاک کف پای تو کند (۱۵)

صنما بی تو دلم هیچ شکیا نشود

و گر امروز شکیا شد فردا نشود (۱۶)

نوروز روز خرّمی بی عدد بود

روز طواف ساقی خورشید خد بود (۱۷)

در ترجیع بند معروف فرّخی سیستانی که در مدح امیر یعقوب یوسف بن ناصرالدین سروده است و بیت ترجیع آن:

بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی

ملک را در جهان هر روز جشنی باد و نوروزی (۱۸)

می‌باشد نیز از ردیف به طرز خوب و مناسبی استفاده شده است که همین امر باعث ازدیاد موسیقی در آن و شاد و رقصان بودنش گردیده است. مسطّ‌های منوچهری نیز بعضاً از ردیف سازی برخوردار است.

۳- از دیدگاه بدیعی و بلاغی: در سبک خراسانی شاعران بیشتر از صنایع لفظی بدیعی سود جسته‌اند مثل ترصیح، موازنه، مطابقه، ردالعجز، ردالصدر، جناس، لفّ و نشر و توجه آنها به صنایع معنوی کمتر بوده است ولی بسامد استفاده از تضاد،

مراعات النظیر و تجاهل العارف در اشعار آنها بیشتر است. شاید علت بیشتر بودن صنایع لفظی در اشعار شاعران این دوره «لفظ گرایی» و «برون نگری» این سبک باشد، به طور کلی سبک خراسانی سبکی فرم گراست. ذیلاً به نمونه هایی از بکارگیری صنایع بدیعی در اشعار شاعران سبک خراسانی اشارت می‌رود:

لف و نشر:

بدین خرمی جهان، بدین تازگی بهار
بدین روشنی شراب بدین نیکویی نگار
یکی چون بهشت عدن، یکی چون هوای دوست

یکی چون گلاب بلخ یکی چون بت بهار (۱۹)

فرّخی سیستانی

قلب:

سوسن داری شکفته بر مه روشن بر مه روشن شکفته داری سوسن (۲۰)

فرّخی سیستانی

لف و نشر و قلب:

زّاله باران زده بر لاله نعمان نقطه
این چنین ناری کجا باشد به زیر نار آب
لاله نعمان شده از زّاله باران نگار
وان چنان آبی کجا باشد زیر آب نار (۲۱)

(منوچهری)

تضاد:

نگه کردم به گرد کاروانگاه
نه وحشی دیدم آنجا و نه انسی
به جای خیمه و جای رواحل
نه راکب دیدم آنجا و نه راجل (۲۲)

(منوچهری)

مراعات النظیر و تکرار:

ما مرد شرابیم و کبابیم و ربابیم

خوشا که شرابست و کبابست و ربابست (۲۳)

(منوچهری)

رد الصدر الی العجز:

بسان گرگ یکی پیل برگرفته به شاخ

بسان ارگ یکی بر هوا کشیده حصار

حصارهای پر امثالهای مینارنگ

ارم نیند و جدا هر یکی ارم کردکار (۲۴)

(عنصری)

اغراق و مبالغه و غلو نیز از لوازم متون و اشعار حماسی است و در سبک خراسانی بسیار یافت می‌شود خاصه در شاهنامه اثر جاودانه حکیم طوس به نمونه‌های اعلائی آن بر می‌خوریم. برای نمونه دو بیت مشهور زیر را یادآور می‌شویم:

شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب (۲۵)

(شاهنامه)

ز گرد سواران در آن پهن دشت

زمین شد شش و آسمان گشت هشت (۲۶)

(شاهنامه)

یکی از پر بسامدترین صنایع به کار رفته در اشعار سبک خراسانی صنعت تشبیه است و آن هم غالباً از نوع تشبیهات حسی. یکی از دوره‌هایی که شاعران آن قویترین و طبیعی‌ترین و خوشایندترین تشبیهات را ساختند زمان سامانیان و غزنویان است، دیوان اشعار شاعرانی چون:

شهید بلخی، کسایی مروزی، منوچهری دامغانی، فرخی سیستانی و حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی مملو است از تشبیهات بهنجار، بدیع، استادانه و ذوقی که اغلب نیز از طبیعت و مظاهر آن الهام گرفته است، برای نمونه می‌توان به قصاید «لغز شمع»، «الا یا خیمگی خیمه فروهل»، «شبی گیسو فروهشته به دامن» از منوچهری، «توصیف شب» در آغاز داستان بیژن و منیژه از فردوسی، قصیده «چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار» از عنصری، قصیده «چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار» از فرخی سیستانی اشاره کرد.

استعاره و انواع آن اگرچه در این سبک وجود دارد اما بسامد آن چندان بالا نیست و نسبت به تشبیه و اقسام آن بسیار کمتر است. بطور کلی می‌توان گفت که استعاره از خصایص سبکهای عراقی و هندی است.

۴- از دیدگاه قوالب شعری: قالب بارز این سبک «قصیده» است که شاعران این دوره به تقلید از شعر عربی بدان پرداخته‌اند. تذکر این نکته ضروری می‌نماید که یکی از محسنات قصاید این دوره پرداختن شاعران است به «تشبیب»، «نسیب» و